کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم

ضمیمهٔ کارگری

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۴۷، ۳۱ خرداد ماه ۱۴۰۰

مطالبه‌های برحق کارگران قطارشهری

سیاست مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی مطابق نسخه های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که چهارچوب برنامه تعدیل ساختاری رژیم را تشکیل می‌دهند، سال‌هاست که با مُهر و تأیید ولی فقیه در کشورمان به‌اجرا درمی‌آید و فاجعه‌ای تمام‌عیار در زندگی طبقه کارگر و زحمتکشان رقم می‌زند. رشد قارچ‌گونه شرکت‌های خصوصی و پیمانکاران در تمامی عرصه‌های تولید و خدمات اجتماعی و تحمیل قراردادهای موقت، افزایش ساعت کار، پرداخت حداقل دستمزد با تأخیر چندماهه، معوقات بیمه‌ای، اخراج کارگران، کاهش مزایای جانبی، و زیرپا گذاشتن دیگر حق و حقوق کارگران از نتایج اجرای این برنامه ضد ملی و ضد کارگری است. در این ارتباط به‌عنوان مثال می‌شود از شرکت مترو ایران نام برد. وضعیت دردناک کارگران قطارشهری در کلان‌شهرهای کشور نمونه‌ای از عملکرد مخرب شرکت‌های پیمانکار نیروی انسانی است. درحال حاضر مسئولیت نگهداری و حراست خط ۵ قطار شهری تهران - کرج را به یک شرکت پیمانکاری سپرده‌اند. پرداخت نکردن حدود چهارماه حقوق و چندین ماه حق بیمه کارگران از طرف شرکت پیمانکاری تراورس دلیل اعتراض بر حق کارگران گردید. کارگران حراست و نگهداری پیمانی خط ۵ قطار شهری تهران- کرج در اعتراض به پرداخت نشدن چهار ماه

ادامه در صفحه ۳

دوران پسا انتخابات؛ آرایش نوین صحنه سیاسی،و وظیفهٔ جنبش کارگری - سندیکایی میهن ما

انتخابات فرمایشی ریاست‌جمهوری با هدایت و مدیریت مستقیم ولی فقیه به‌پایان رسید. تحریم، مشارکت بسیار پایین مردم در این نمایش، و موضع‌گیری‌های حزب‌ها و نیروهای سیاسی درقبال انتخابات مهندسی شده، تغییراتی معین را در آرایش سیاسی میهن ما شکل داده است. نمایش انتخابات با مهندسی چندوجهی آن درحقیقت برنامه دوران گذاری بسیار مهم برای رژیم و بازسازی روابط این رژیم به‌ویژه در عرصه روابط خارجی و جلوگیری از خیزش‌های مردمی و رشد اعتراض‌ها بود. حکومت جمهوری اسلامی برای حل دو معضل اصلی که با آن دست به‌گریبان است، یکی رفع یا تعلیق کردن تحریم‌ها و بازسازی مناسبات با آمریکا و اروپا، و دیگری سد کردن جریان رو به‌رشد اعتراض‌های مردمی است که نمایش انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ را با برنامه‌ای چندوجهی به‌منظور دستیابی به آماج‌هایی معین مهندسی کرد. حاصل این برنامه‌ریزی طی هفته‌ها و ماه‌های آینده بیشتر و بهتر در عرصه مناسبات سیاسی داخلی و خارجی نمایان خواهد شد. نکته مهم در ارزیابی مانورها و اقدام‌های حکومت جمهوری اسلامی برای مهندسی انتخابات و حاصل جمع آن یعنی گزینش فرد مورد اعتماد ولی فقیه به‌عنوان سکاندار قوه مجریه همه به منظور

ادامه در صفحه ۲

از هپکو، هفت‌تپه، و آذرآب چه خبر؟

دور از انتظار نبود که در سال "تولید، پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها"ی ولی فقیه، وضعیت کارخانه‌های تولیدی و صنعتی راهبردی‌ای مانند هپکو، آذراب، و هفت‌تپه به‌رغم تبلیغات پرسروصدای رژیم همچنان بحرانی باقی‌مانده و حقوق و خواست‌های کارگران این واحدها برآورده نشده باشند. اوضاع مجتمع نیشکر هفت‌تپه این واقعیت را آشکار می‌سازد. روز ۵ خردادماه کارگران هفت‌تپه به ایلنا گفتند: "میزان آبی که مزارع نیشکر هفت‌تپه می‌گیرند نسبت به پارسال ۵۰ درصد کاهش یافته است. ... قسمت عمده مزارع نیشکر... به‌علت خشکسالی و کم‌آبی دچار تنش شده‌اند و در صورت عدم آبیاری، بخش زیادی از گیاهان مرده و از بین خواهند رفت و با آبیاری مجدد نیز قابل برگشت نیستند." در سال جاری میزان حقابه‌ای که شرکت تأمین آب برای مزارع هفت‌تپه درنظر گرفته الی ۱۰ متر مربع در ثانیه است. برای حل معضل بی‌آبی مجتمع، کارگران هفت‌تپه تجمع‌های اعتراضی زیادی در داخل و خارج مجتمع برگزار کرده‌اند. با وجود اینکه در تبلیغات رسمی حکومت جمهوری اسلامی از حل مسئله کارگران هفت‌تپه بسیار سخن گفته‌می‌شود، اما معضل‌های کارگران این واحد حل‌نشده باقی‌مانده است. ایجاد مانع بر سر بازگشت مجتمع هفت‌تپه به پوشش بخش دولتی بخشی از سیاست ارگان‌های امنیتی برای مقابله با مبارزات کارگران علیه برنامه خصوصی‌سازی است. این سیاست ضد کارگری به‌ویژه ازسوی قوه قضاییه با جدیت پیگیری می‌شود. ادامه اعتصاب در هفت‌تپه طی روزهای اخیر نشانگر نارضایتی کارگران و شکست سیاست تهدید ارگان‌های امنیتی دراین مجتمع است. یکی از کارگران هفت‌تپه در تجمع اعتراضی ۱۱ خردادماه به ایلنا گفت: "ما حتی در شرایط اضطراری همانند بی‌آبی امروز امیدی به کمک دولت نداریم."

مورد دیگر واحد صنعتی بسیار مهم و راهبردی هپکو است که طی ماه‌های اخیر رژیم کوشیده است در تبلیغاتش اوضاع این کارخانه را عادی و مشکل کارگران را حل‌شده وانمود کند. به‌دنبال تجمع اعتراضی کارگران در ۳ اسفندماه ۹۹ در مرکز شهر اراک و نزدیک سازمان تأمین اجتماعی، یک روز بعد وزیر کار در پیامی توییتری از "تصویب تهاتر بدهی هپکو به بانکها با بدهی دولت به تأمین اجتماعی در جلسه هیئت وزیران" خبر داد. بر خلاف انتظار کارگران هپکو به‌حمایت از تولید داخلی، کارگران هپکو با اشاره به مصوبه "وزارت صمت مبنی بر رفع موانع گمرکی برای واردات ماشین‌آلات"، به خبرگزاری ایلنا، ۳۱ فروردین‌ماه ۱۴۰۰، گفتند: "چرا در سال مانع‌زدایی و

ادامه در صفحه ۳

پیش به‌سوی سازمان‌دهیِ مبارزه منسجم و سراسریِ کارگران و زحمتکشان بر ضدِ ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوبِ حقوق صنفیِ کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راهِ طردِ رژیم ولایت فقیه!

ادامهٔ دوران پساانتخابات؛ ...

رهایی رژیم از بحران های فزاینده اجتماعی-اقتصادی کنونی است

با توجه به تحولات صحنه سیاسی کشور وظیفه و مسئولیت اصلی نیروهای مردمی همچنان مبارزه با دیکتاتوری ولایی برای ایجاد یک جبهه فراگیر از همه نمایندگان سیاسی طبقه‌ها و لایه‌های اجتماعی منتقد و مخالف استبداد مذهبی است. بنابراین، جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی در این چارچوب وظیفه‌ای معین و پراهمیت بردوش دارند. در این زمینه سیاست تحریم فعال انتخابات زمنیه همکاری نیروهای مترقی، انقلابی، آزادی‌خواه و دمکرات کشور را فراهم آورد. برای جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی نیز حمایت از تحریم فعال انتخابات و "نه" به استبداد مذهبی بخشی از مبارزه برای تأمین منافع طبقه کارگر و زحمتکشان و تقویتِ صف‌های جنبش سندیکایی بود. همچنین این سیاست کوششی برای یک اتحادعمل گسترده در چارچوب همکاری میان لایه‌های بینابینی، سرمایه‌های خُرد و مرتبط با تولیدِ داخلی با کارگران و زحمتکشان در پیکار با دیکتاتوری به‌هدف نیل به‌عدالت اجتماعی و حقوق و آزادی‌های دمکراتیک به‌شمار می‌آید. حکومت جمهوری اسلامی با تشخیص این واقعیت در آستانه انتخابات نمایشی بخشی از سیاستش را به ایجاد انشقاق درمیان صف تحریم کنندگان و مخالفان شرکت در انتخابات متمرکز کرد و کوشید با یک رشته مانور و بهره‌گیری از برخی چهره‌ها و جریانات سیاسی با ایجاد شکاف در میان مخالفان انتخابات نمایشی به فضاسازی برای کشاندن بخش‌هایی از مردم به پای صندوق‌های رأی دست زد. سخنان خامنه‌ای دو روز مانده به انتخابات ناظر به همین راهبرد بود و هراس او از چالش تحریم و "نه" به استبداد را نشان داد. به‌علاوه، طی تمام دوران تبلیغات انتخابات فرمایشی آنچه از نقطه‌نظر منافع طبقه کارگر و زحمتکشان برجسته و مهم بوده و هست نه‌تنها نادیده انگاشته شد، بلکه تأکید همه برگزیده‌شدگان شورای نگهبان برای ادامه اجرای سیاستِ خانمان‌برانداز تعدیل ساختاری را در جریان آن‌ها شاهد بودیم. در ورای یاوه‌سرایی‌ها و تبلیغاتِ دروغین پیرامون وضعیتِ کشور هیچ‌گونه برنامه‌ای ارائه و اعلام نشد. همان‌گونه که اشاره کرده بودیم، حکومت جمهوری اسلامی برای گذر از بحران در چارچوبِ حفظ نظام سیاستِ برخورد از موضع قدرت و مقابله با مردم را همراه با پیشبردِ برنامه "نرمش قهرمانانه" تدوین و به‌اجرا گذاشته است چندان که مهندسی انتخابات ۱۴۰۰ نخستین گام جدی در عملی‌ساختن این راهبرد بوده است. این مجموعه سیاست‌ها یا به‌بیان دقیق‌تر راهبردِ رژیم ولایت‌فقیه، بر مبنا و پایه اقتصادی-اجتماعی‌ای معین قرار دارد. طی روزهای منتهی به زمان برگزاری انتخابات در رسانه‌های خبری این پایه و مبنای اقتصادی تعمداً نادیده یا پنهان نگه‌داشته می‌شد. دراین زمینه این پرسش‌های کلیدی مطرح می‌شود که این پایه یا سمت‌گیری اقتصادی- اجتماعی چیست و اثرهای آن بر زندگی و امنیت شغلی کارگران و زحمتکشان چگونه بوده و چگونه خواهدبود؟! پرسش بعدی در فضای سیاسی پس از برگماری رئیس‌جمهور جدید این است که برنامه‌های اقتصادی پیش‌گفته چگونه و با چه روش‌هایی ادامه خواهند یافت؟ و پرسش مهم دیگر این است که در قبال این سمت‌گیری اقتصادی- اجتماعی وظیفه‌های جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی موجود در دو عرصه صنفی و سیاسی کدام‌اند؟! برای ورود به‌این مباحث و یافتن پاسخ‌هایی صحیح که بازتاب دهنده منافع طبقه کارگر و در چشم‌اندازی گسترده‌تر تقویتِ جنبش همگانی ضد دیکتاتوری باشند، نگاهی حتی گذرا و فشرده به موضع‌گیری‌های شخص ولی فقیه، ابراهیم رئیسی، و دیگر بازیگران انتخاباتِ فرمایشی خالی از فایده نخواهد بود. به‌یاد داریم که در اردیبهشت‌ماه امسال یک روز پس از اول ماه مه- روز جهانی کارگر- علی خامنه‌ای طی سخنانی بر لزوم ادامه اجرای برنامه خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی تأکید کرده بود. رئوس کلی برنامه‌های اقتصادی نظام که مُهر تأیید ولی فقیه را بر خود دارند، برنامهٔ تعدیل ساختاری با محوریتِ مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی است! این راهبردِ اقتصادی - اجتماعی کارپایه و برنامه عمل برای دولت‌های مختلف بوده و پایه‌ای قلمداد می‌شود که روبنای سیاسی‌ای فاسد و مستبد بر آن قرار دارد. روبنای سیاسی‌ای فاسد و استبدادی با تکیه به‌این سمت‌گیری اقتصادی- اجتماعی امکان بقا و دوامش را فراهم می‌سازد. دقیقاً بر این اساس بود که نخستین اقدام رسمی تبلیغاتی ابراهیم رئیسی پس از تأیید شورای نگهبان-به‌اصطلاح خودشان احراز صلاحیت- دیدار با نمایندگان و اعضای اتاق بازرگانی بود. آیا این حرکت اتفاقی بوده است؟ پاسخ روشن است: به‌هیچ‌وجه! نه‌تنها اتفاقی نبوده، بلکه اقدامی کاملاً حساب‌شده و هدفمند بوده است. ابراهیم رئیسی کارزار تبلیغاتِ انتخاباتی‌اش را بی‌دلیل از دیدار با اعضای اتاق بازرگانی آغاز نکرد. او با صراحتِ هرچه تمام‌تر از خصوصی‌سازی، کاهش نقش بخش دولتی، بازار آزاد، و آزادسازی اقتصادی سخن به‌میان آورد و با حرارت به‌دفاع از آن‌ها پرداخت. ایسنا، ۵ خردادماه، دراین‌باره نوشته بود: "ابراهیم رئیسی در دیدار با فعالان اقتصادی که در محل اتاق بازرگانی برگزار شد، گفت: 'طبیعتاً دیدگاه‌های شما نسبت به مسایل اقتصادی برای هردولتی مؤثر خواهد بود. زیرا شما میدان‌دارید و کف بازار اقداماتِ اقتصادی هستید.'" در ادامه این گزارش آمده‌است: "ثبات اقتصادی نیازمند ثبات در تصمیم‌گیری است . . . اصل خصوصی‌سازی باید ادامه یابد. ما قانون بهبود فضای کسب و کار را داریم . . . این قانون را اجرایی می‌کنیم. ما تعامل با همه دنیا برای حل مسایل اقتصادی را باور داریم و کشورهای منطقه باید در تعامل با ما باشند . . . ارتباط بین بازار و نظام تصمیم‌سازی یک ضرورت است." این سخنان به‌دقت محاسبه شده آن‌هم در نشست با اتاق بازرگانی به‌معنای دادن تضمین به گلان سرمایه‌داری ایران به‌مثابه پایگاه اصلی حکومت جمهوری اسلامی و نیز چشمکی توأم با کرنش به‌سرمایه‌داری جهانی در مقطع زمانی مذاکراتِ احیای برجام و بازتعریفِ مناسباتِ تهران و واشنگتن است! در این زمینه ضرور است به مصاحبه عباس عراقچی با خبرگزاری الجزیره اشاره شود. ایرنا، ۲۷ خردادماه، این مصاحبه را منتشر کرد که در آن ازجمله چنین آمده است: "عراقچی تصریح کرد، مواضع جناب آقای رئیسی در حوزه سیاست خارجی آن‌طور که در دوران رقابت‌های انتخاباتی بیان شد، نشان دهنده یک سیاست واقع‌بینانه و تعامل‌گرایانه است که بر مبنای همکاری با جامعه بین‌المللی و تعامل سازنده اقتصادی قرار دارد. مواضع ایشان در مورد برجام و مذاکرات جاری هم نشان‌دهنده همین واقع‌بینی و عمل‌گرایی در سیاستِ خارجی است. اطمینان دارم در صورت انتخاب ایشان هیچ خللی در مسیر مذاکرات ایجاد نخواهد شد." همچنین این موضع‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌های دیگر بازیگران انتخابات نمایشی بدان معناست که برنامه تعدیل ساختاری با شدت و خشونتی بیشتر و البته توأم با مانورهایی فریبکارانه ادامه خواهند یافت و منافع کارگران و زحمتکشان هیچ جایگاهی در سیاست‌های رژیم ولایت فقیه نداشته و ندارد. دولتِ برآمده از نمایش انتخاباتی وظیفه اجرای این سیاست‌ها را برعهده دارد. از یاد نبریم که خامنه‌ای سال کنونی را از جمله سال پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها نامیده است. در راستای این سیاست است که هم‌اکنون چند طرح به‌شدت ضدکارگری در مجلس و دیگر نهادهای اصلی حکومت در دستورکار قرار دارند، طرح‌هایی مانند: "توانمندسازی و پایداری سازمان تأمین اجتماعی"، "اصلاح قانون کار" و "توافقی کردن میزان حداقل دستمزد" و همچنین طرح "قانون کار استانی". این موارد در طرح کلی اتاق بازرگانی به‌نام "درباره انتخابات ریاست جمهوری، دیدگاه‌های رنج‌آفرین و دیدگاه‌های گنج‌آفرین در حوزهٔ اقتصاد" منتشر شده است. انتشار این سند به‌شدت ضد کارگری و در تقابل با تقویتِ بنیه تولید ملی هم‌زمان با تبلیغات انتخاباتی برگماردگان شورای نگهبان خود گویای همهٔ مسایل است و نیازی به‌توضیح بیشتر ندارد. در چنین اوضاعی جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی وظیفه‌هایی مهم و معین در این مقطع زمانی حساس برعهده دارند. باتوجه به تغییر و تحول‌های صحنه سیاسی، آرایش نوین نیروهای سیاسی، و کنش و واکنش جناح‌های حکومتی، از هم‌اکنون با دقت و صراحت تشدیدِ مبارزه را همراه با تلاش خستگی‌ناپذیر برای ارتقای سطح سازمان‌دهی و همبستگی در جنبش اعتراضی زحمتکشان باید در مقام مهم‌ترین وظیفه در اولویت قرار داده شود و در برابر مانورهای فریبکارانه حکومت همراه با حد اعلای هشیاری در راه پیوند بیشتر و محکم‌تر با جنبش همگانی ضددیکتاتوری گام به‌پیش برداشت. در دوره حساس کنونی حضور جنبش کارگری و سندیکایی با تأکید بر استقلال عمل طبقاتی در مقابله با استبداد ولایی بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. ضرورتِ تشدید مبارزه هم‌زمان با اتحادعمل فراگیر از این پتانسیل برخوردار است که اعتراض‌های پراکنده کارگری را به‌مرحله بالاتری فرا برویاند و قدرت مانور و بنیه جنبش کارگری را تقویت و بازسازی کند. در هفته‌های اخیر تکاپوی سازمان‌یافتهٔ تشکل‌های زرد حکومتی برای گرم‌کردن تنور انتخابات فرمایشی را شاهد بودیم. سخنان علی‌رضا محجوب و دیگر سران خانه کارگر در دعوت زحمتکشان به رأی دادن، بار دگر سیمای واقعی این سران به‌ظاهر کارگری اما ضد کارگر را آشکار کرد. تشکل‌های زرد حکومتی همانند آنچه با مدیران مسئول روزنامه‌ها طی دیدار با رئیسی تدارک دیده شد، با همیاری ارگان‌های امنیتی در آستانه انتخابات به عنصرهایی از کانون‌های بازنشستگی و چند شبه‌تشکل زرد و برخی عنصرهای ناسالم و نفوذی برای تشویق کارگران به شرکت در انتخابات متوسل شدند. راهکار مؤثر برای تأمین منافع صنفی - رفاهی و سیاسی طبقه کارگر و زحمتشکان نه نامه‌نگاری، نه عجز و لابه، بلکه سازمان‌دهی اعتراض‌ها و دعوت به اعتصاب برای تأمین حقوق بدیهی توده‌های کارگر است.

کوتاه سخن، پایان نمایش انتخاباتی آغاز مرحله‌ای جدید از اجرای سیاست‌های ضدملی و ضد کارگری حکومت جمهوری اسلامی است. باید با همه توان و دست در دست هم به‌مقابله با این سیاست‌های برخیزیم. پایان نمایش انتخابات آغاز سالی سخت برای طبقه کارگر و زحمتکشان است، چاره و راهکار، اتحاد و مبارزه است. در پایان این را نیز بیفزاییم که کارزار نیروهای مترقی و میهن‌پرستِ میهن ما به‌هدفِ حضور یک جنبش اجتماعی نیرومند به‌منظور داشتن توان لازم در مقابله با استبداد مذهبی وظیفه‌های جنبش کارگری را در این عرصه برجسته می‌سازد. نباید از یاد ببریم که در شکل‌گیری و تداوم مبارزه هرجنبش اجتماعی و مردمی، جنبش کارگری و سندیکایی می‌تواند و باید در مقام نیرویی مؤثر و کارآمد عمل کند.

با وعده‌هایی بی‌پشتوانه معضل معیشتی معلمان حل نمی‌شود

رژیم ولایی با اجرای خشن سیاست تعدیل ساختاری در سال‌های اخیر، هزاران معلم غیررسمی و آزاد را در شرایطی به‌لحاظ معیشت آسیب‌پذیر و زیر خط فقر مطلق قرار داده است، معلمان نیز مبارزه‌ای تحسین‌آمیز علیه ارتجاع ولایی پیش می‌برند. بعضی از اعتراض‌های جمعی فرهنگیان در سه ماه اخیر عبارت بوده‌اند از: مراجعه مکرر معلمان خرید خدماتی به ادارات آموزش و پرورش در استان‌های مختلف کشور و اعتراض به تبعات کار به‌عنوان نیروی پیمانکاری، کارزار فرهنگیان با خواست رفع تبعیض موجود بین فرهنگیان با کارکنان دولت و اجرای رتبه‌بندی در ۴ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰، کارزار فرهنگیان شاغل و بازنشسته در ۱۳ خردادماه ۱۴۰۰ با خواست رفع تبعیض میان معلمان و کارمندان دیگر وزارتخانه‌های دولت، کارزار دبیران آزاد شاغل در مدارس غیرانتفاعی با خواست استخدام در آموزش و پرورش در ۲۳ خردادماه امسال، اعتراض ۱۸ هزار بازنشسته فرهنگی در سال ۱۳۹۹ به دریافت نکردن پاداش پایان خدمت پس از گذشت نزدیک به یک سال، و کاهش ارزش پاداش پایان خدمت آنان به کم‌تر از نصف.

معلمین غیررسمی بعد از سال ۱۳۹۲، شامل "حق‌التدریس‌ها، سربازمعلم‌ها، خرید خدمات آموزشی، برون‌سپارها، و مربیان پیش دبستانی‌های مدارس دولتی" که "با تأیید صلاحیت و گزینش" از طرف آموزش و پرورش جذب و با "حقوقی معادل یک‌دهم معلمین رسمی در مدارس دولتی" شروع به تدریس کرده‌اند، با انتشار بیانیه‌ای در ایلنا، ۱۰ خردادماه ۱۴۰۰، مانع‌های پیش روی خود را تشریح کردند. درحالی که مطابق این بیانیه، این معلمین "به‌خواست و انتخاب خود وزارت آموزش و پرورش جذب [کار] شده‌اند"، بر اساس طرحی اعضای کمیسیون آموزش مجلس بر "جذب و استخدام نیروهای آموزش و پرورش صرفاً از طریق آزمون ماده ۲۸ و از بین تمام فارغ‌التحصیلان دانشگاهی" کشور اصرار می‌ورزند و می‌خواهند به‌اصطلاح مانع ورود معلمین ناکارآمد و ضعیف به بدنه آموزش و پرورش شوند. در شرایطی که مطابق آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار ایران خط فقر در اکثر شهرها به‌ویژه تهران به بالای ۱۰ میلیون تومان در ماه رسیده است، بر اساس بیانیهٔ این معلمان که در حال حاضر مثلاً پانصد هزار تومان در ماه می‌گیرند، نماینده‌های مجلس با اصرار بر شرکت آنان در آزمون و اخذ صلاحیت دوباره، این هدف را دنبال می‌کنند که معلمان یاد شده به‌صورت رسمی استخدام نشوند. اگر پیش‌تر نقض حقوق زحمتکشان از سوی نهاد ارتجاعی "دیوان عدالت اداری" به یورش به حقوق کارگران اختصاص می‌یافت، در یک سال اخیر این نهاد ضد مردمی یورش خود را به حقوق پرستاران و معلمان را نیز گسترش داده است. سفر به تهران معلمان دانشسرایی در روزهای کرونایی آخر فروردین‌ماه ۱۴۰۰ از چندین استان و برپایی اعتراض چندین روزه‌شان در برابر مجلس با خواست ابطال رأی دیوان عدالت در مورد "حذف سنوات فاصله خدمتی"، اعتراض به "کاستن از مزد و مزایای" نیروهای خدماتی آموزش و پرورش اصفهان بر اساس "رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری"، نمونه‌هایی از یورش این نهاد ارتجاعی به حقوق معلمان است. اجرای سیاست تعدیل ساختاری به‌ویژه خصوصی‌سازی آموزش به‌حقوق معلمان کشور لطمه‌هایی اساسی وارد کرده است. مبارزهٔ فرهنگیان بر ضد خصوصی‌سازی و طبقاتی شدن آموزش و نیز به‌خاطر افزایش دستمزد و تأمین امنیت شغلی از مهم‌ترین حرکت‌های اعتراضی زحمتکشان کشورمان بوده است.

ادامهٔ مطالبه‌های برحق کارگران قطارشهری ...

دستمزدشان، روز سوم خردادماه ۱۴۰۰ دست از کار کشیدند. در این اعتصاب کارگران تصریح کردند: "بخش دیگری از نگرانی ما مربوط به اضافه کاری‌ها است. اکثر کارگران با وجود آنکه ماهانه بیش از ۶۰ تا ۷۰ ساعت اضافه‌کاری انجام می‌دهند اما کارفرمای شرکت پیمانکاری یک سوم آن را به کارگران می‌پرداز" [ایلنا، ۳ خردادماه ۱۴۰۰]. کارگران قطارشهری ازجمله متروی تهران طی اعتصاب و اعتراض‌های متعددشان به‌ویژه خواستار تأمین این خواست‌ها شدند که عبارتند از: اعمال حق جذب و سختی کار، قرارگرفتن در اولویت واکسیناسیون، اصلاح عناوین شغلی، اجرای کامل بخشنامه‌های افزایش دستمزد کارگری مصوب شورای عالی کار، عدم اجرای طرح حذف راهبر کمکی قطار، اصلاح فرمول و نحوه محاسبه مالیات بر حقوق پرسنل، رفع تبعیض میان کارکنان عملیاتی و پرسنل ستادی، احیا و اجرای دستورالعمل تأمین تجهیزات انفرادی راهبران (لوکوموتیوران) و همچنین برخورداری از حق ایجاد تشکل مستقل سندیکایی.

تغییر عنوان‌های شغلی یکی از ترفندهای پیمانکاران است که مسلماً با فکر و برنامه‌ای از قبل تنظیم شده در جهت کاهش دستمزد و در نهایت پرداخت حداقل مستمری به بازنشستگان به‌اجرا درمی‌آید، و راهبران (لوکوموتیوران) متروی تهران به‌درستی به این امر مهم اشاره کرده و در اعتراض‌شان خواهان اصلاح عنوان‌های شغلی خود تا سال ۹۳ به جهت بهره‌مندی از بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور خود شدند. در شهرهای دیگر میهن‌مان نیز اعتراض‌های بر حق کارگران قطارشهری نسبت به حضور پیمانکاران، کاهش و به تعویق افتادن دستمزدها را شاهد بوده و هستیم. در این زمینه می‌توان به اعتراض کارگران پیمانی مترو شیراز اشاره کرد. در این اعتراض یکی از کارگران با بیان اینکه قطار شهری شیراز حدود یک‌هزار نیرو دارد و ۲۲ ایستگاه در سطح شهر تا کنون افتتاح شده است که ۱۳۰ نفر پاکبان و ۲۰ نفر سکوبان در آن‌ها فعالیت می‌کنند. او درخصوص قرارداد کارشان گفت: نوع عضویت این نیروها پیمانکاری حجمی است و معمولاً هرساله پیمانکار تغییر می‌کند، به‌همین دلیل مشکلات خاص خودشان را دارند. ۱۵۰ نیروی پاکبان و سکوبان که جزو زحمتکش‌ترین نیروها در این سازمان هستند، ۳ ماه پیش آخرین دریافتی حقوق را داشته‌اند و هنوز با گذشت ۳ ماه از سال جدید حقوقی دریافت نکرده‌اند! برای مقابله با این تهاجم گستاخانه و بی‌پروا به سفره کارگران و زحمتکشان، ضرورت احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری و اتحاد عمل گسترده میان کارگران و زحمتکشان امری است که هر روز بیش از روز گذشته ضرورت می‌یابد. سندیکاهای مستقل کارگری مهم‌ترین و کارسازترین ابزار دفاعی کارگران و زحمتکشان است.

ادامهٔ از هپکو، هفت‌تپه، و ...

پشتیبانی از تولید، موانع واردات را حذف می‌کنند." آنان در ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ با اشاره به "محصولات راه‌سازی و مدنی بسیاری در گمرک تحت عنوان کالاهای رسوبی موجود"، در نامه‌ای به مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در مقام سهامدار اصلی هپکو، روی "ممانعت" از ترخیص این دستگاه‌ها و "رفع موانع بانکی" تأکید کردند. گرچه اخیراً معاون توسعه و مدیریت سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای از "ارائه تضامین بانکی" به هپکو و قرارداد خرید ۵۰ دستگاه ماشین‌آلات از این شرکت خبر داده بود، روز ۱۹ خردادماه کارگران به ایلنا گفتند: "از یک طرف ادعا می‌کنند مشکلات هپکو حل شده، از طرف دیگر این مجموعه نتوانسته ضمانت‌نامه‌ی بانکی ارائه دهد." همچنین وضعیت کارخانه آذراب کاملاً بحرانی باقی مانده است. با خصوصی‌سازی آذرآب، رژیم ولایی شرایط بدتری به کارگران این مجموعه تحمیل کرده است. مطابق گزارش ۸ بهمن‌ماه ۹۹ روزنامه شرق، دو نفر از سهامداران سابق آذرآب با تهیه مدارک و گروگذاشتن ساختمان و دفتر مرکزی آذرآب چندین وام دریافت کرده بودند. این دو نفر بعد از انتقال وام‌ها به حساب شخصی‌شان و سرمایه‌گذاری این منابع مالی در بورس، "سیل فراوانی از بدهی‌ها و اقساط نجومی" را به‌سوی آذرآب روانه کردند. دولت در ازای اعتباراتی که این دو نفر از بانک کشاورزی گرفته بودند، آذرآب را به بانک کشاورزی واگذار کرده است، و در حال حاضر "حساب‌های شرکت مسدود" هستند. خصوصی‌سازی کارخانه آذراب فاجعه‌ای بزرگ برای کارگران و نیز تولید داخلی پدید آورد. مبارزه کارگران این کارخانه علیه خصوصی‌سازی ادامه دارد. در سال »تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها«، رژیم ولایی و کارگزاران فاسد آن صرفاً به فکر تاراج منابع مالی کشور و بهره‌کشی حداکثری از کارگرانند.

روز جهانی آفریقا؛ سندیکاهای کارگری و مبارزه برای پیشرفت اجتماعی و علیه غارت قارهٔ آفریقا

توزیع عادلانهٔ واکسن کرونا و نیازمندی‌های بهداشتی خواست سندیکاهای کارگری آفریقاست!

فدراسیون جهانی اتحادیه خدمات همگانی و سندیکاهای متحد (تی- یو - آی- پی-اس و ا) به میلیون‌ها آفریقایی، آنانی که در تبعید به‌سر می‌برند و تمامی دوستان آفریقاییتبار که در سراسر جهان زندگی می‌کنند،در ۴ خردادماه (۲۵ ماه مه۲۰۲۱) می‌پیوندد و روز جهانی آفریقا را با ابلاغ درودهای رزم‌جویانه گرامی می‌دارد. درواقع تاریخ قارهٔ آفریقا تاریخ کل جهان است. از تمدن‌های اولیه بشری کوش، آکسوم مالی، زیمبابوهٔ بزرگ، مافونوگوبو و جز این‌ها. تجارت برده در دو سوی اقیانوس اطلس طی سده‌های ۱۵ تا ۱۹ میلادی و استعمار این قاره در سده‌های ۱۸ و ۱۹، قارهٔ آفریقا همیشه بخشی از خانوادهٔ جهانی انسانی بوده است و هنوز هم این قاره و ساکنان آن بهایی سنگین برای تکامل و پیشرفت زندگی بشری می‌پردازند، این بهای سنگین غارتِ منابع غنی و استثمار غیرانسانی مردم این قاره است.

روز ۴ خرداد ماه، سالروز تأسیس سازمان اتحادیهٔ آفریقا (او- ا- یو) و ادامه دهندهٔ آن اتحادیهٔ آفریقا (ا- یو) به‌عنوان روز آفریقا به‌تصویب رسیده است. این روز ضرورت مبارزه علیه قوانین استعماری در این قاره را برجسته می‌کند و نشانگر عزم راسخ مردم افریقا برای آزادسازی خود از بندهای سلطهٔ بیگانه و استثمار است. امروزه کل قاره آفریقا به‌جز صحرای باختری که هنوز هم مبارزه‌اش را برای رهایی از استعمار مراکش ادامه می‌دهد، از یوغ استعمار رهایی یافته‌اند. در واقع صحرای باختری آخرین کشور آفریقایی است که هنوز زیر یوغ استعمار کشوری دیگر قرار دارد ولی نمایندگی‌ای دائمی در اتحادیهٔ آفریقا دارد. ادامهٔ اشغال صحرای باختری با مفهوم روز جهانی آفریقا و آرمان رهایی آن مغایرت دارد.

بسیاری تصور می‌کنند که این روز فقط برای ارج‌گذاری به فرهنگ، مد، و غذاهای آفریقایی تعیین شده است. ضروری است یادآوری کنیم گرچه استعمار در این قاره شکست خورده ولی غارت مردم ومنابع طبیعی آن از سوی قدرت‌های خارجی هنوز متوقف نشده است. استعمار فقط یکی از چهره‌های سیستم سرمایه‌داری است که امروزه به‌دلیل سیاست‌های نولیبرالی و غارت کشورهای این قاره از سوی امپریالیسم چهره می‌نماید. این سیاست‌ها پشتوانهٔ وابسته نگه داشتن آفریقا و دیگر کشورهای استعمارشده در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، و تجارت جهانی‌اند. در جهان کنونی مبارزات آزادی‌بخش آفریقا نه‌تنها علیه قدرت‌های خارجی است، بلکه علیه شرکت‌های بزرگ داخلی، نخبگان سیاسی، و عوامل

سرمایه‌داری‌ای است که با قدرت‌های امپریالیستی همکاری می‌کنند تا اقتصاد و سیستم سیاسی آفریقا را وابسته نگهداشته و کارگران، زحمتکشان، کشاورزان و لایه‌های تهی‌دست این قاره را هم‌چنان در بند استثمار و استعمار بسته نگه‌دارند.

مبارزات مردم آفریقا برای آزادی و سربلندی و رهایی از رنج طولانی مبارزه‌ای طبقاتی بر ضد استثمار و تسلط امپریالیسم به همراه همبستگی میلیون‌ها انسان و عناصر آگاه طبقاتی در کل جهان است. ازاین‌روی، مردم آفریقا در مبارزه با استعمار دوستان بین‌المللی زیادی داشته و همچنان از حمایت بسیاری از کشورهای مترقی و تشکل‌های طبقاتی زحمتکشان سراسر جهان برخوردار است. تصادفی نیست که این قاره جزو کم‌توسعه یافته‌ترین و غیرصنعتی‌ترین مناطق جهان بوده و رواج بیکاری، مشاغل غیررسمی و ناپایدار در سراسر آن چشمگیر است. همه این تناقضات با تجارت ناعادلانه، شرایط سخت اقتصادی تحمیل شده از سوی مؤسسه‌های مالی‌ای مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و دخالت‌های خارجی در امور کشورهای قاره آفریقا نیز مرتبطند.

در تحلیل نهایی، مبارزات آفریقا بر ضد سلطه بیگانگان و استثمار، بخشی از مبارزات وسیع طبقاتی بین‌المللی علیه سلطهٔ امپریالیسم و استثمار به‌شمار می‌آید. همه‌گیری کووید- ۱۹و وابستگی آفریقا به استعمارگران پیشین خود به‌منظور تأمین وسایل بهداشتی و حفاظتی شخصی و واکسن کرونا تأییدی است بر ضروری بودن اتحاد همهٔ نیروهای مترقی جهان در جهت تشدید مبارزه با بی‌عدالتی‌های جاری در قاره آفریقا و غارت منابع آن.

پایدار باد همبستگی جهانی!

زنده باد آفریقا!

زولا سفتا، دبیرکل اتحادیه بین‌المللی کارگران بخش خدمات همگانی و سندیکاهای متحد

به‌نقل از: سایت فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، ۴ خردادماه ۱۴۰۰ خورشیدی

http://www.wftucentral.org/wftu-trade-union-international-public-service-allied-tui-psa-statement-on-africa-day/

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس های اینترنت و «ای-میل»

http://www.tudehpartyiran.org

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

21 June 2021

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما

004930

23629727

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

ضمیمهٔ کارگری نامهٔ مردم - شمارهٔ ۴۷

Nameh Mardom –Workers Supplement No.47